

فصل اول

انقلاب از نظر واژگانی به معنای تغییر، تحول، برگشتگی و تبدیل و از منظر سیاسی به معنای اقدام عده ای برای براندازی و ایجاد حکومتی جدید است.

نظریه ی (هانا آرنه) در رابطه با پیشینه تاریخی اصطلاح انقلاب :

وی معتقد است این کلمه در اصل از اصطلاحات اخترشناسی است که توسط اثر بزرگ کپرنیک در علوم طبیعی از اهمیت خاصی برخوردار شد، این واژه در کاربرد علمی معنای دقیق لاتینی خود را که به معنای حرکت دورانی منظم و قانونمند ستارگان بود، حفظ کرد. در سده ی هفدهم این واژه برای اولین بار به صورت یکی از اصطلاحات سیاسی در سال ۱۶۶۰ پس از دگرگونی سیاسی در یکی از کشورها به کار رفت. در معنای دیگر سیاسی، این کلمه درباره انتقال از عصر کشاورزی به دوره صنعتی به ویژه در ممالک غربی به کار می رود که در آنجا صنعتی شدن به همراه شهرنشینی حاصل از آن، بر آخرین مرحله توسعه ی این جوامع اثرات بسیار چشمگیری داشته است.

شهید مطهری انقلاب را این گونه تعریف می کند:

انقلاب عبارت است از طغیان و عصیان که مردم علیه نظام حاکم موجود برای ایجاد وضع و نظمی مطلوب انجام می دهند؛ یعنی انقلاب از مقوله عصیان و طغیان است علیه وضع حاکم برای وضعی دیگر. پس ریشه های انقلاب دو چیز است: یکی نارضایتی و خشم از وضع موجود و دیگر آرمان یک وضع مطلوب.

از نگاه شهید آیت الله سید محمدباقر صدر :

انقلاب جنبشی سرسختانه و بر مبنای اصول مکتبی معین است که با درک واقعیت های موجود، به دنبال تغییر و دگرگونی بنیادین در تمامی ابعاد زندگی فردی، اجتماعی و سیاسی و معیارها، اصول و ارزش های حاکم است. یکی از ابعاد مهم در معرفی انقلاب ها بعد ارزشی و مطلوبیت آرمان هاست.

تعریف انقلاب از بعد جامعه شناسی از این جهت جامعیت بیشتری دارد که به عمده ترین خصیصه های انقلاب ها که دارای ماهیتی اجتماعی است اشاره می کند. در این باره می توان به **نظریه هانتینگتون** اشاره کرد، وی معتقد است: انقلاب یک دگرگونی سریع، بنیادین و خشونت آمیز داخلی در ارزشها و اسطوره های مسلط جامعه، نهادهای سیاسی، ساختار اجتماعی، رهبری و فعالیت های حکومتی و سیاسی آن است.

نکته : هانتینگتون با تاکید بر عنصر (خشونت) ، انقلاب را از اصطلاحات عمیق نیز متمایز می سازد، همچنین با اصرار بر (عمیق بودن انقلاب) آن را از رویدادهای کم اهمیت تر جدا می کند.

گونه های مختلف انقلاب :

اول . انقلاب های سیاسی ← ساختار سیاسی و حکومت را تغییر می دهند، نه ساختار اجتماعی را .

نکته : انقلاب مشروطیت در ایران یک نمونه از انقلاب های سیاسی است .

دوم . انقلاب اجتماعی ← عبارت است از تغییر سریع و اساسی در ساختار سیاسی ، اقتصادی و اجتماعی یک جامعه که با حرکت و قیام عمومی مردم همراه است. برای نمونه انقلاب اسلامی را می توان از انقلاب های اجتماعی دانست .

نکته : انقلاب های اجتماعی بندرت شکل می گیرد، اما بی گمان رخدادی مهم به شمار می رود.

نکته: انقلاب های اجتماعی اغلب موجب رشد الگوها و اندیشه های بزرگ بین المللی می شوند و تنها از حیث ملی اهمیت ندارند.

نکته : آخرین انقلاب بزرگ اجتماعی که تاکنون در تاریخ جهان رخ داده، انقلاب اسلامی ایران است.

انقلاب های اجتماعی در روند خود باید چهار مرحله را بگذرانند:

اول . بر اندازی

دوم . انتقال و جابه جایی قدرت

سوم . پاکسازی مهره های اصلی حکومت قبلی

چهارم . تثبیت نظام جدید، سازندگی و تحقق آرمانهای انقلاب

علی رغم وجود ناگهانی و سریع بودن وقوع انقلاب های اجتماعی ، روند شکل گیری آن نسبتاً طولانی است.

در روند انقلاب های اجتماعی اصولاً اعمال زور و خشونت به گونه ای متقابل صورت می گیرد (زیرا نه حکومت بدون مقاومت،

تسلیم انقلابیون می شود و نه انقلابیون در صورت لزوم از اعمال خشونت پرهیز می کنند.)

در شکل گیری انقلاب های اجتماعی، بخش عمده ای از جمعیت به شکل مؤثر (بسیج) می شوند.

مشارکت عمومی در هر انقلابی مستلزم عناصری مانند سازماندهی، رهبری و ایدئولوژی است.

نکته : هر چه ایدئولوژی ها قوی تر باشند، بسیج گروه ها گسترده تر خواهد بود.

تغییرات در انقلاب های اجتماعی عمیق و زیر بنایی بوده و ارزش های جدید، جایگزین ارزش های پیشین می شوند.

وجود مستمر آگاهی، موجب پی ریزی حرکت های مداومی می گردد که تدریجاً در طی مراحل منجر به شکل گیری انقلاب

می شود.

در انقلاب، نظام تغییر می کند، نه آنکه در نظام تغییرات ایجاد شود.

در جوامعی که انقلاب در آنها رخ می دهد ، مردم نقش اول را بر عهده دارند .

تفاوت انقلاب با مفاهیم مشابه اجتماعی

اول . کودتا ← اقدام معدودی از نیروهای نظامی با حمایت برخی نیروهای حاکم است که هدف از آن، رسیدن به قدرت و

برکناری حاکمی است که در رأس قدرت قرار دارد.

ویژگی های کودتا شامل:

✓ کودتاچیان پایگاه مردمی ندارند.

✓ کودتا در جوامعی روی می دهد که ارتش نقش ویژه ای در برابر ملت دارد.

✓ در کودتا ساختار نظام همچنان باقی خواهد ماند.

✓ در کودتا ارزش ها و زیرساختها تغییر نمی کند.

✓ در کودتا اصولاً عوامل بیگانه دخالت دارند.

✓ در کودتا براندازی، جایگزینی و شروع به سازندگی همزمان و بدون فاصله رخ میدهد.

دوم . جنبش ← در واقع جنبش بسترهای تحول در جامعه را شکل می دهد که این تحول می تواند به انقلاب یا اصطلاحات تبدیل گردد.

تفاوت عمده جنبش با انقلاب و اصلاح: در واقع تفاوت آنها در شیوه ی اجرایی، رفتاری و هدف نهایی است. چنانچه تغییرات

اجتماعی حاصل از جنبش به گونه ای مسالمت آمیز باشد، منجر به تغییرات آرام و تدریجی می شود که رفرم یا

اصلاح نام دارد و چنانچه این تغییرات اساسی، بنیادی و توأم با خشونت باشد منجر به شکل گیری انقلاب خواهد شد.

جنبش مفهومی است که نسبت به سایر مفاهیم از حیث معنایی با اصلاحات و انقلاب نزدیک است. همچنین انقلاب ها در فرایند راهبردی جوامع خواهان جنبش، شکل می گیرند .

سوم . اصلاح (رفرم) ← تغییر آرام، تدریجی و مسالمت آمیز و روبنایی در یک نظام است که معمولاً در جامعه ای متعادل اتفاق میافتد.

نکته: اصلاحات (رفرم) از بالا و از سوی دولتمردان به وجود می آید، لذا ممکن است پایگاه مردمی نداشته باشد.

تفاوت اساسی اصلاح و انقلاب:

اصلاحات از سوی حاکمان برای بهبودی شرایط یا جلوگیری از وقوع انقلاب رخ میدهد، اما انقلاب از سوی مردم و با هدف

براندازی نظام حاکم شکل می گیرد، معمولاً در اصلاحات بر خلاف انقلاب، خشونت دیده نمی شود.

نکات:

اصلاحات ممکن است با رسیدن به تغییرات هدفمند و منتج از نیازهای جامعه، جنبه پیشگیری از وقوع انقلاب را داشته باشد . در

برخی موارد ممکن است موجب تسریع انقلاب یا فروپاشی رژیم های سیاسی گردد.

چهارم . شورش ← حرکتی مقطعی در اعتراض به موضوعی خاص است . شورشیان غالباً نارسایی های موجود را نه به

نهادها و ساخت های اجتماعی، بلکه به افراد نسبت می دهند، لذا هدف آنها محدود به از میان برداشتن افرادی خاص یا زدودن

موضوعی خاص در حکومت است ، بی آنکه ترکیب نظام سیاسی اجتماعی تغییر کند.

نکات :

- ✓ در شورش ترکیب نظام سیاسی - اجتماعی تغییر نمی کند.
- ✓ در مواردی که شورشیان بافت اجتماعی را نشانه می روند ، طرحی برای آینده ندارد و معمولاً اعتراض آنها مقطعی و برای موضوع خاص است.
- ✓ هدف شورش، اعتراض به وضع موجود است از این رو، هرگاه شورشیان به تغییر در ساختار اجتماعی بیندیشند و طرحی هرچند مبهم برای آینده داشته باشند، حرکت آنها جنبه انقلابی می یابد.
- انقلاب به شکلی مطلوب در مکان و زمانی موفقیت دارد که شرایط دو قطبی بر جامعه حکم فرما باشد .

عوامل و شرایط زمینه ساز انقلاب در یک تقسیم بندی کلی:

- ✓ نارضایتی عمیق از وضع موجود
- نخستین عامل مهم در وقوع هر انقلابی که منشأ روان شناختی اجتماعی دارد نارضایتی عمیق از شرایط حاکم در جامعه است که میتواند زمینه ساز ظهور عوامل دیگر نیز باشد. نارضایتی انقلابی زمانی تجلی می یابد که ناامیدی از بهبود اوضاع به اوج رسیده باشد .

✓ ظهور و گسترش ایدئولوژی های جدید و جایگزین

برنتون یکی از نظریه پردازان انقلاب معتقد است: هیچ انقلابی بدون گسترش اندیشه و ایدئولوژیهای جدید شکل نمی گیرد. در واقع ایدئولوژی هر انقلاب، نظام ارزشی سازمان یافته ای است که ویژگیهای نظام آرمانی را ترسیم می کند و راه رسیدن به آنها را می نمایاند.

✓ گسترش روحیه ی انقلابی

گسترش روحیه انقلابی، پدیده ای روان شناختی و مرحله ای بالاتر از نارضایتی از وضع موجود است. هدف از این روحیه، شکل گیری حس پرخاشگری علیه نظام سیاسی حاکم است.

✓ رهبری و نهادهای بسیج گر

پیروزی انقلاب نیازمند رهبری است که بتواند با استفاده از نارضایتی های موجود و ایدئولوژی های جایگزین، انقلاب را پیش ببرد. انقلاب ممکن است دارای رهبری واحد مانند (امام خمینی(ره) در انقلاب اسلامی) و یا به صورت مشترک (میرابو، دانتون و روبسپیر در انقلاب فرانسه) باشد که در هر مرحله فرد خاصی رهبری آن را بر عهده داشته باشد.

اصولاً یکی از ویژگیهای انقلاب اسلامی که با انقلاب های معروف جهان متفاوت به نظر میرسد، رهبری واحد در سه مرحله پیدایی، پویایی و پایایی انقلاب است این تمرکز رهبری در انقلاب هایی مثل فرانسه و شوروی سابق کمتر دیده می شود.

فصل دوم

نخستین نکته در خور بررسی در قرن نوزدهم انقلاب صنعتی و پیشرفت های تکنولوژی در اروپاست .

انقلاب صنعتی در نیمه ی قرن هجدهم از انگلستان آغاز شد و پیامدهای اجتماعی سیاسی به دنبال داشت.

اروپای قرن نوزدهم به شدت تحت تأثیر انقلاب صنعتی قرار داشت .

منابع نفتی خاورمیانه ابتدا توجه قدرتهای استعماری نظیر انگلیس و سپس آمریکا و آلمان را به خود جلب کرد ، تا جایی که در اوایل قرن بیستم نفت این منطقه بین شرکت های انگلیسی و آمریکایی تقسیم شد.

نکته : قرن نوزده میلادی ، دوران اقتدار امپراتوری های استعماری انگلیس ، فرانسه و روسیه بود.

ظهور جنبش های مشروطه خواهی به عنوان نماد تغییر در ساختار سیاسی کشور های جهان ، از مهم ترین مسائل سیاسی در جهان به شمار می رفت و از سوی دیگر بر اثر عوامل داخلی و خارجی در اواخر قرن نوزدهم امپراتوری عثمانی در جنگ جهانی اول محکوم به زوال شد؛ امری که بر تحولات سیاسی در جهان اسلام تأثیر به غایت داشت.

دولت عثمانی بزرگترین و پهناترین دولت اسلامی پس از فروپاشی خلافت عباسی است.

سرانجام با فروپاشی دولت عثمانی، جهان اسلام پیش از پیش در برابر غرب و اروپاییان تضعیف گردید.

هویت ایرانی در قالب مذهب شیعه برای نخستین بار در دوران صفویه احیا گردید .

مهم ترین ویژگی دولت های قاجار عبارت بود از سلطنت مطلقه و فرد محوری . به عبارتی دیگر شاه به عنوان ظل الله در همه ی امور مردم دخالت می نمود، بنابراین ساختار سیاسی قاجاریه مبتنی بر «سلطنت مطلقه» بود.

الگوی دیوان سالاری براساس، سلطه مراتبی بود که به شخصی شاه منتهی می شد.

ریشه های ساختاری و تاریخی و رسمیت نیافتن حقوق فردی و شهروندی از مهم ترین عوامل شکل نگرفتن تشکیلات قومی و با نفوذ قضایی و دادگستری در ایران قرن نوزدهم است.

نکته: نظام قاجار از حیث ساختار قدرت، نوعی حکومت ملوک الطوایفی (متماایل به تمرکز) و از حیث شیوه ی اعمال قدرت نیز حکومتی استبدادی بود.

سیاست های ایران در قرن نوزدهم با توجه به شاخصه های کشاورزی و صنعتی ، اقتصادی معیشتی بود.

رویکرد اقتصادی ایران قرن نوزدهم، گسترش تورم، تجارت، کاهش ارزش داخلی و خارجی بود.

الگوی شبه ترقی غرب گرا:

این اندیشه در دو دوره قاجاریه و پهلوی راهی متفاوت را طی نمود چنانکه در دوره قاجاریه این اندیشه به نگرشی شبه ترقی توأم با غرب زدگی منجر شد.

اولین نوع انحراف در فرایند توسعه ایران استقلال و هویت ایرانی اسلامی را خدشه دار نمود در این نگرش شکل گرفت. در دوره پهلوی نیز همین نگرش شبه ترقی غرب زده با شعار باستان گرایی بروز کرد و به همان سرنوشت دوره قاجاریه دچار شد. دو الگوی فکری و اعتقادی یاد شده در عرصه تحولات ایران دو مولفه استقلال و هویت را با چالشی و حتی با بحران رو به رو ساختند.

برخی روشنفکران غرب گرا با مشاهده پیشرفت اروپاییان در حیرت و سرگستگی فرورفتند و در پی آن نظیریاتی دادند که نتیجه آن حرکت به سوی زندگی غربی بود.

پاره ای از روشنگران در جهت الگوی شبه ذوقی غربگرا حاضر شدند حتی متمدنات خود را نادیده انگارند. برای پاسخ به پرسش اخیر دیدگاه های متفاوتی مطرح شد از جمله:

۱- استفاده از تجربه غرب برای ترقی و پیشرفت که می توان این الگو را «الگوی ترقی» نامید.

۲- پاره ای نیز به استفاده از داشته های درونی و فرهنگ و تمدن خود و تمسک به آموزه های تأکید داشتند که میتوان این الگو را «الگوی تعالی» خواهی اسلامی نامید.

الگوی شبه ترقی غربگرا:

معتقدان به این الگو بر این باور بودند که برای پیشرفت، باید از فرق سر تا نوک پا فرنگی شد.

افرادی نظیر آخوندزاده، میرزا آقاخان کرمانی، ملکم خان، تقی زاده و طالب اوف از این دسته اند.

نفی دین از سیاست تنها تقلید این روشنفکران از غرب بیش نبود چرا که غربی ها نسخه ترقی را بر پایه ی نفی دین (دین مسیحیت) می دانستند.

نکته: الگوی ترقی چیزی جز غربی شدن و استفاده از الگوهای غربی برای متحول نمودن جامعه ایران و خارج شدن از عقب ماندگی نبود، الگوی ترقی در اواخر عصر قاجاریه در قالب مشروطه ی غرب گرا مطرح شد و در عصر رضاخان در قالب نوسازی اجتماعی و باستان گرایی در قالب غربی شدن ایران در سایه نگرش شبه ترقی غربی دنبال شد. و در عصر پهلوی دوم در قالب گفتمان توسعه غربگرا، مطرح گردید.

الگوی تعالی اسلامی

تعالی خواهی اسلامی رسیدن به پیشرفت را متناسب با دیدگاه های اعتقادی و فرهنگ اسلامی - ایرانی میدانستند. این الگو، پیشرفت های فناوری و رفاهی، قانون گرایی و رهایی از استبداد را امری ضروری می خواند اما نه بر پایه نگاه معرفت شناسانه غربی.

نگرش تعالی، پیشرفت را در تمسک به آموزه های اسلامی و عقب ماندگی را در فاصله گرفتن از اسلام می دانست.

در برخی از مباحث از این پدیده به «بیداری اسلامی» یاد شده است. در حقیقت الگوی تعالی ناشی از همین بیداری اسلامی بود که بر اثر عواملی چند فرایند تکاملی خود را طی کرد تا زمینه های شکل گیری انقلاب اسلامی را ایجاد نمود. معتقدان به الگوی تعالی، نسخه پیشرفت ایران را مبتنی بر هویت ایرانی - اسلامی می دانستند.

پیشرفت های اولیه مسلمانان به ویژه در قرن چهارم هجری که به «عصر طلایی» شهرت دارد، گواهی بر صحت این گفتار است، اما همین تمدن پس از چندی رو به ضعف نهاد و مسلمانان در برابر اروپاییان تضعیف شدند، بنابراین علت عقب ماندگی مسلمانان بی گمان در فرهنگ بومی نبود، بلکه باید آن را در فاصله گرفتن از فرهنگ بومی و دینی جستجو کرد. در این الگو برخلاف الگوی ترقی، تعالی و پیشرفت تنها در سایه ی دلبستگی به فرهنگ خودی (اسلام) و جلوگیری سلطه بیگانگان است.

نکات: این الگو در پی احیای تمدن اسلامی بود که جهان اسلام را تا چندین قرن به عنوان پیشرفته ترین تمدن در جهان معرفی کرد. این الگو با جنگ های ایران و روس در دوران قاجار آغاز شد تا اینکه در انقلاب اسلامی به اوج خود رسید که بی تردید نوعی واکنش به حاکمیت الگوی ترقی نیز به شمار میرفت.

الگوی تعالی با قیام تنباکو و جنبش عدالتخانه که به انقلاب مشروطیت انجامید روند تکاملی خود را در عصر قاجاریه طی نمود، در عصر پهلوی نیز این الگو در چالش با ترقی خواهی غربی در قالب جنبش های مختلف بروز کرد.

این الگو به پیشرفت های تکنولوژیکی و فناوری اهمیت می دهد اما بر خلاف مبانی معرفتی غرب، انسان را به دو عالم دنیا و آخرت متعلق میداند و در واقع پیشرفت های دنیایی را برای رسیدن به سعادت مورد نظر مطلوب میدانست.

الگوی شبه ترقی غرب گرا در اواخر عصر قاجار و در گسترش ارتباط ایران و غرب شکل گرفت که با توجه به حیرت روشنفکران غرب گرا در برابر ترقی غرب، جنبه تقلیدی محض داشت.

حفظ اساس اسلام و دین در مقابله با استبداد داخلی و به کار بستن قاعده «نفی سبیل» در رویارویی با استعمارگران خارجی، از نخستین حرکت ها در نگرش تعالی خواهی است.

عالمان شیعه با تکیه بر قاعده ی فقهی «نفی سبیل» بر اساس آیه «ولن يجعل الله الكافرين على المؤمنين سبيلاً» در مقابل استعمار خارجی موضع گرفتند.

نکته: مبنای اصولی که الگوی تعالی در ابتدا بر آن تأکید داشت، لزوم استقلال از بیگانگان و نفی استعمار بود که پس از جنگهای ایران و روس در قیام تنباکو به جد نمایان شد و پس از آن رنگ و بوی ضدیت با استبداد به خود گرفت و ثمره ی آن در جنبش عدالت خانه و قیام مشروطیت پدیدار گردید.

مقابله با فرقه سازی یکی دیگر از چالش های جدی نهاد دینی بود در این میان نقش امیرکبیر را نباید نادیده گرفت، وی در عرصه ی دینی برای روز آمد کردن و کاستن از نقش روحانیون درباری و کاهش اختیارات آنها، با روند تدریجی بیداری اسلامی همراهی کرد.

نکته: در رأس مخالفان روحانی حاج ملا علی کنی قرار داشت. برخورد وی با سپهسالار، شاخص ترین برخورد نهاد دینی و علمای شیعه با ارکان حکومت قاجار تا زمان شکل گیری نهضت تنباکوست.

نهضت تنباکو یکی از مهم ترین گامها در روند تعالی طلبی است که نفی سلطه ی بیگانگان را با خود همراه داشت.

نکته:

۱- نهضت تنباکو بیش از دیگر جریان های سیاسی و مذهبی نقش بیدارگرانه داشته و در تکامل الگوی تعالی نقش مؤثری ایفا نموده است.

۲- این قیام (نهضت تنباکو) که نخستین رودررویی در برابر استبداد بود، زمینه را بر جنبش های تعالی خواهانه دیگری نظیر نهضت عدالتخانه، فراهم نمود.

نهضت تنباکو را می توان نخستین رودررویی در برابر استبداد دانست که زمینه «برای جنبش های دیگر نظیر نهضت عدالت خانه فراهم نمود.

علمای شیعه با تکیه بر دو اصل «حفظ اساس اسلام» و «نفی سبیل» آشتی این نهاد دینی با حکومت فاسد و مستبد را ناممکن ساختند.

علما در آغاز از حکومت فقط دادگری، تأسیس عدالتخانه و اجرای قوانین اسلام را میخواستند.

در سال ۱۲۸۳ شمسی نهضتی با عنوان عدالتخانه شکل گرفت که نهادی بومی و همه فهم به شمار می رفت. عدالتخانه، نهادی برای رسیدگی به شکایات مردم از دولت بود که در راستای محدود نمودن استبداد و براساسی مبانی معرفتی دینی شکل گرفت.

نکته: اعدام شیخ فضل الله نوری و ترور آیت ا... بهبهانی در راستای اختلافات بین ملت و علما بود.

جریان روشنفکری در ایران عمدتاً متأثر از دنیای غرب بود و تحت تاثیر مشروطه خواهی، ناسیونالیسم و سکولاریسم، گذشته فرهنگ خودی و مذهب خود را نفی نمودند.

روشنفکران از حیث وابستگی سیاسی به دو گروه وابسته و غیر وابسته تقسیم می شدند.

نکته: شبه ترقی غرب گرا در اواخر عصر قاجار بر مشروطیت تسلط یافت و مبارزه با فرهنگ و هویت بومی ایرانی را در راستای ترقی مورد نظر خود در دستور کار قرار داد.

شعار «از فرق سر تا نوک پا باید فرنگی شود» و نفی هر آنچه خود داریم، مهم ترین نگره گروه شبه ترقی غرب گرا بود. الگوی ترقی غربی و گرایش به غرب و استفاده از مظاهر تمدن غرب در عصر پهلوی، در سطح روشنفکران و دولتمردان ظهور کرد. نهضت مشروطیت به عنوان یکی از رویدادهای مهم در تاریخ معاصر ایران نقطه عطفی تاریخی در چالش میان دو الگوی شبه ترقی غرب گرا و تعالی اسلامی - ایرانی به شمار می رود که با رهبری همسو و بلامنازع علما در جریان جنبش عدالتخانه شکل گرفت.

الگوی شبه ترقی غرب گرا برای به انحراف کشاندن نهضت مشروطه و در مقابل آن قرار گرفت.

چالش میان الگوی شبه ترقی غرب گرا و نهضت مشروط را میتوان در قالب دو نگرش «مشروط مشروعه» بر مبنای اسلام و «مشروطه غربی» جستجو کرد.

تلاش های شیخ فضل الله نوری برای تدوین قانون اساسی و اقدامات مرحوم نائینی در توضیح مشروطه براساس مبانی اسلامی را میتوان اقدامات علما برای مقابله با جریان انحرافی دانست.

دلایل شکست نهضت مشروطه:

۱- حذف نگرش مشروطه مشروعه

۲- اختلافات گسترده در میان رهبران آن

۳- مشکلات داخلی نهضت از جمله مشکلات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی

۴- تغییر رویکرد انگلستان نسبت به ایران با قطع حمایت از مشروطه و رساندن رضاخان به حکومت

فصل چهارم

رضا شاه با کودتای ۱۲۹۹ با کمک انگلستان در مقام وزیر جنگ روی کار آمد.

پهلوی اول و ساختار سیاسی:

نکته: دلیل ثبات سیاسی دولت رضاخان نسبت به دیگر پادشاهان قاجار: اتکای رضاخان به سه اصل اساسی ارتش، بروکراسی و پشتیبانی گسترده ی دربار بود، اما با توجه به ساختار حکومت دیکتاتوری وی، جامعه ایران از نظر سیاسی دچار انسداد شد.

عصر پهلوی اول در ایران مقارن با عصر نوسازی و رواج نظریه های غربی در این زمینه است.

با روی کار آمدن پهلوی اول فضای موجود در جهان به گونه ای بود که کشورها به نوسازی اقتصادی – اجتماعی ترغیب می شدند تا از این حیث، متناسب با فضای عصر جدید گردند.

بدین سان از این دوران (پهلوی اول) به بعد مدرنیزاسیون ایران به شیوه غربی آغاز شد.

نکته: تأثیرات فکری نهضت مشروطه و حضور طبقه جدید تحصیل کردگان غرب در کنار طبقه حاکم، بیش از هر عامل دیگری سبب رویکرد پهلوی اول به مدرن سازی کشور به شیوه غربی شد.

باید خاطرنشان کرد که این تلاش ها (مدرنیزاسیون کردن ایران به شیوه ی غرب) نشئت یافته از روحیه ی نظامی گری رضا شاه نبود، بلکه خواسته ها و آرمانهای روشنفکرانی بود که تنها راه رسیدن به تمدن غرب را دوری از سنت های دینی حاکم بر جامعه ایران می دانستند.

رضا شاه نوسازی اقتصادی و صنعتی را برپایه اقداماتی بنا نهاد که ساختار آن برگرفته از مبانی مدرنیته بود.

نوسازی رضاشاه با تأکید بر عنصر تقلید گرایی از غرب (شبه ترقی گرا) در عرصه های مختلف اقتصادی و اجتماعی و به ویژه فرهنگی آغاز شد که بر گرفته از مبانی مدرنیته بود.

تأسیس بانک و راه آهن، ایجاد مدرسه و دانشگاه به سبک اروپایی و احداث کارخانه های جدید، اقداماتی بود که ناسیونالیسم شبه مدرن آن را به هر قیمتی (حتی پذیرش استبداد رضا شاه) برای رسیدن به کاروان ترقی ضروری می دانست.

تأسیس بانک ملی یکی از نخستین آرزوهایی بود که در سلطنت رضا شاه به کمک یک کارشناس آلمانی محقق شد، البته این اقدام از نگاه کارشناسان اقتصادی اقدامی بیهوده بود، چرا که اولاً سیاست های مکملی که گسترش فعالیت های آن را تأمین می کرد، مورد توجه قرار نگرفت و از سویی بانک ملی فقط نهادی موازی برای صرافان سنتی و بلکه آن صرافان، این کارکردها را بهتر انجام می دادند.

در خصوص احداث راه آهن جان فوران (یکی از تحلیل گران غربی مسائل ایران) میگوید: «پروژه دیگری که از نظر اقتصادی «فاجعه آمیز» بود احداث راه آهن از بندر شاه در جنوب شرقی دریای خزر به بندر خرمشهر بود.

برخی نویسندگان از آنچه در عصر پهلوی اتفاق افتاد به شبه مدرنیسم یاد می کنند.

ویژگی های شبه مدرنیسم :

۱- با اینکه اندیشه و آرمان هایی اجتماعی را در خود دارد با فرهنگ و تاریخ جامعه بیگانه است.

۲- برخلاف مدرنیست های اروپایی به ندرت از اندیشه ها، ارزش ها و روش های اروپایی شناختی واقعی دارد؛ از این روست که تکنولوژی جدید درمانی قطعی دانسته می شود که به مجرد خریداری و نصب می تواند همه مشکلات اجتماعی - اقتصادی را یکسره حل کند.

از دیگر اقدامات مخرب پهلوی اول در حوزه فرهنگ بود که در راستای شبه مدرن نمودن ایران تلاش نمود تا به اجبار پوشش را تغییر دهد که در این خصوص می توان به کشف حجاب و همسان کردن لباس مردان اشاره نمود.

نکته : هدف رضا خان از تغییر پوشش اجباری این بود که با این کار ایران را از لحاظ ظاهری با غرب یکسان کند.

پیش فرض اساسی این الگو که به تجدد آمرانه نیز معروف است این بود که توده مردم، مصالح و منافع خود را تشخیص نمیدهند و شیوه های رسیدن به آن را نمیدانند، از این رو ضروری است که نخبگان ترقی خواه آنان را در مسیر تجدد و پیشرفت قرار دهند حتی کاربرد زور برای پیشبرد این اهداف و برنامه ها مشروعیت می یابد.

فرایند شبه ترقی غرب گرا در دوره پهلوی با تاکید بر الگوی باستان گرایی استمرار یافت.

نوسازی فرهنگی رضا شاه بر سه محور ناسیونالیسم باستان گرایی، تجددگرایی و مذهب زدایی قرار داشت.

رواج بی قیدی و تحقیر نهادهای دینی و سنت های ملی ، حضور میسیون مذهبی ، تاسیس مدارس جدید، بازگشت اشراف زادگان تحصیل کرده از فرنگ، تاسیس کانون ها و انجمن های روشنفکری، ترویج بی حیایی در میان زنان، کشف حجاب، تغییر نظام آموزشی از جمله اقدامات او علیه مذهب بود.

تمامی این اقدامات و اصلاحات فرهنگی در راستای تأکید بر ناسیونالیسم (ملی گرایی) بود. در واقع درک دولت نوگرا از تمدن جدید تغییر در ظواهر بود نه شکوفایی اندیشه و فرهنگ

اقدام بعدی در راستای دگرگونی های اجتماعی، تحول در نظام آموزشی کشور بود، از سوی شورای عالی معارف، نظام آموزشی مدارس فرانسه به عنوان الگوی مدارس ایرانی پذیرفته شد، در ادامه این حرکت گروهی از جوانان سرمایه دار و اشراف زاده برای تحصیل به اروپا اعزام شدند که پس از بازگشت مناصب مهمی را در کشور عهده دار شدند و از این طریق به روند دگرگونی اجتماعی شتاب بیشتری بخشیدند.

نکته: رضا شاه سرانجام در سال ۱۳۱۷ برای متمرکز کردن فعالیت سازمان های فرهنگی و ایجاد هماهنگی میان آنها، سازمان پرورش افکار را تاسیس کرد.

قیام مسجد گوهرشاد که در جهت مقابله مردم با سیاست کشف حجاب بود، همچنین ستیز با ایدئولوژی فرهنگی رضا شاه در قالب نثر و شعر از سوی بسیاری از روشنفکران نشانه ناموفق بودن سیاستهای نوسازی او در حوزه های مختلف (از جمله فرهنگی) بود.

بی شک پس از شهریور ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ بی‌اعتنایی نسبی به پهلوی دوم و توجه به مجلس، نشان دهنده ناراضی‌تاری از رضاخان است.

چارچوب الگوی ترقی در عصر پهلوی دوم با توجه به مقتضیات و شرایط ایران پس از جنگ جهانی دوم و حاکم شدن الگوهای توسعه بر جهان در قالب توسعه مطرح شد.

نکته: کشور ایران از نظر استراتژیک و داشتن ذخایر طبیعی مورد توجه دو ابر قدرت جهان (بلوک شرق و غرب) بود.

تحلیل گران و دولتمردان غرب، بر این باور بودند که برای پیشگیری از گسترش نفوذ کمونیسم، کشورهای جهان سوم به ویژه ایران باید روند توسعه را بپیمایند، چرا که ناراضی‌تاری های اقتصادی موجود می‌توانست زمینه را برای گسترش کمونیسم فراهم سازد. با توجه به اهمیت استراتژیکی ایران و وجود ذخایر طبیعی، این کشور از این دوران به بعد با حضور غرب به ویژه آمریکا روبه‌رو می‌شود و تا زمان پیروزی انقلاب همچنان ادامه دارد. هرچند نفوذ گسترده و جدی آمریکا از کودتای ۲۸ مرداد به بعد آغاز شد. آمریکا در سال ۱۳۲۱ هیئتی اقتصادی به ریاست آرتور میلیسیو را به ایران اعزام کرد.

علاوه بر نیازهای درونی ایران برای رفتن به سوی الگوهای توسعه غربی، مقتضیات خارجی نیز در این راستا اثر گذار بود، چنانکه بعد از جنگ جهانی دوم، رقابت بین دو ابر قدرت، کشورهای توسعه نیافته را در وضعیتی قرار داد که باید برای بهبود اوضاع خود از یک الگو پیروی می‌کردند.

سیاست های توسعه که در راستای ترقی خواهی و با الگوی غربی صورت می‌گرفت؛ فرهنگ خاصی را تبلیغ می‌نمود که متعلق به ساختار اجتماعی و فرهنگی غرب بود.

پهلوی دوم در راستای پیشبرد «اهداف توسعه» تلاش کرد تا با هویت سازی جدید و به چالش کشیدن هویت فرهنگی پیشین، زمینه را برای چنین تغییری در فرهنگ ایجاد نماید. لذا از یک طرف می‌بایست آنچه که در فرهنگ بومی با الگوی توسعه غربی همسان نبود، کنار گذاشته شود و از طرف دیگر با استفاده از این هویت جدید، مقدمات مشروعیت بخشی به خود و زمینه‌ی اجرای الگوهای تحمیلی توسعه را در ایران فراهم آورد.

نظریه پردازان مکتب مدرنیزاسیون معتقد بودند که جوامع جهان سوم یا جوامع سنتی ناچارند حرکت به سمت مدرن شدن را در مسیری که غرب پیموده است، آغاز کنند، از نگاه آنها جامعه مدرن با زوال جامعه سنتی به وجود می‌آید که در نتیجه‌ی آن، اقتصاد معیشتی (مبتنی بر کشاورزی)، فرهنگ سنتگرا و نظام سیاسی (بر مبنای الیگارشی) از بین می‌رود و به جای آن نظام اقتصادی صنعتی و سرمایه داری فرهنگ مدرن می‌نشیند و از سویی طبقه متوسط نوین و نظام مردم سالارانه نیز گسترش می‌یابد.

برای رسیدن به اهداف ذکر شده، برنامه مدرنیزاسیون غربی در ایران با پنج برنامه توسعه اقتصادی - اجتماعی از اواسط دهه ۱۳۲۰ تا سال ۱۳۶۵ در ایران اجرا شد. (که البته این برنامه ها ناکام بود)

نکته: مهم ترین اقدام اقتصادی پهلوی دوم را می‌توان پنج برنامه توسعه اقتصادی اجتماعی دانست.

با کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ روند دیکتاتوری و فرد محوری در حکومت محمدرضا پهلوی آغاز گردید. محمدرضا توانست با حمایت آمریکا و درآمد حاصل از نفت روند فرد محوری را در حکومت خود آغاز کند، آمریکا نیز از این زمان به بعد به عنوان قدرت برتر در سیاست خارجی ایران مطرح گردید.

پس از کودتای ۲۸ مرداد، محمدرضا با سرکوب نیروهای سیاسی (ملی، مذهبی، چپ‌گرا) دولت و با کمک حمایت‌های مالی آمریکا، ارتش و سازمان امنیتی را که مهم‌ترین پایگاه قدرت او بودند، گسترش داد و با افزایش درآمد نفت، استقلال عملی خود را از گروه‌های اجتماعی بیشتر کرد و بدین ترتیب شاه را قادر ساخت که کنترل خود بر حکومت را تحکیم بخشد.

شاه در این سالها به جای نوسازی نظام سیاسی عمدتاً قدرتش را بر سه پایه نیروهای مسلح و امنیتی، شبکه حمایتی دربار و دیوان سالاری گسترده دولتی قرار داد و بدین شکل استقلال خود را از گروه‌های اجتماعی بیشتر کرد، سیاستگذاری حکومت به گونه‌ای روز افزون به سوی شخصی شدن پیش رفت و راههای قانونی گروه‌های اجتماعی که بر حکومت تأثیر داشت بتدریج از بین رفت.

افزایش شمار نیروهای مسلح و نیروهای امنیتی همچون ساواک و بازرسی شاهنشاهی و دیگری ارتش که به عنوان مهم‌ترین پشتوانه حفظ نظام سیاسی او بودند از جمله اقدامات محمد رضا بود تا جایی که فعالیت احزاب سیاسی بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ممنوع اعلام شد.

با توجه به وابستگی ایجاد شده خارجی در حکومت پهلوی دوم پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، از این پس سرنوشت داخلی ایران با تحولات داخلی آمریکا گره خورد که مهم‌ترین آن پیروزی کندی در ابتدای دهه ۱۳۴۰ بود.

با روی کار آمدن کندی (کاندیدای دموکرات آمریکا) در سال ۱۳۳۹ شمسی در آمریکا و برنامه‌های اصلاحیه‌ی وی فشارهای بیشتری بر رژیم شاه برای ایجاد فضای باز سیاسی و انجام اصلاحات وارد آمد که موجب تحریک نیروهای مخالف ملی - مذهبی و حزب توده گردید.

نکته: این آزادی‌های نسبی که با روی کار آمدن کندی در آمریکا شروع شده بود با سرکوب قیام ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ بار دیگر محدود شد و دوره جدیدی از استبداد آغاز گردید.

شاه از حمایت نهاد‌هایی چون بازرس شاهنشاهی، ساواک، نیروهای مسلح شاهنشاهی، قدرت سیاسی و اقتصادی خانواده سلطنتی کاملاً بهره برد.

هویدا از سال ۱۳۴۴ تا سال ۱۳۵۵ نخست وزیر تشریفاتی شاه بود.

بر اساس قانون اساسی که در جریان انقلاب مشروطه تدوین شد، رژیم مشروطه سلطنتی بود، از این رو ملت می‌توانست با تشکیل احزاب و انجمن و نیز به وسیله‌ی مطبوعات خواسته‌ها و آرزوهای خود را اعلام و اعمال نماید.

اصل مشروطیت به عنوان نهادی که از استبداد شاه جلوگیری کند به شکل مختلف از سوی شیخ محمد حسین نائینی شرح و تأیید قرار گرفت.

در نهایت در قانون اساسی چنین آمده بود که باید پنج تن مجتهد طراز اول دینی برای حفظ مشروعیت و اسلامیت نظام بر مصوبات مجلس نظارت می کردند، اصلی که با کوشش شیخ فضل الله نوری در این قانون گنجانده شد. در سال ۱۳۲۸ شمسی به منظور تقویت سلطنت و استقرار حاکمیت شاه و تضعیف حقوق ملت، مجلس مؤسسان تشکیل شد و اصلی ۴۸ قانون اساسی تغییر یافت و حتی اختیار انحلال مجلس سنا به شاه سپرده شد. اصل ۴۸ قانون اساسی قبل از تغییر، به انفصال مجلس شورای ملی توسط شاه اشاره داشته؛ آن هم زمانی که بین مجلسین در خصوص مطالب وزرا اتفاق آراء حاصل نمی شد.

اغلب جوامع جهان سوم در بستر نوسازی یا فرآیند توسعه، به سکولاریسم، روی آوردند که عمدتاً بر روش ها و برنامه های تحمیلی و تقلید صورت میگیرد. همین موضوع، تضاد و پارادوکسی را در حکومت پدید میآورد که منجر به ظهور «بحران هویت» در سطوح مختلف اجتماعی میگردد. در چنین اوضاعی سیاستگذاران سخت به حوزه دین میتازند و هویت و ارزش های ملی و دینی را نشانه می روند.

نکته: با آغاز فرآیند نوسازی از زمان رضا شاه در ایران، از یک سو ارزش های سنتی پیشین به چالش کشیده شد و از سوی دیگر ارزش های جدید نیز به دلیل بافت و ژرفای فرهنگی عمیق جامعه ایران کاملاً استقرار نیافت، نتیجه ی چنین وضعیتی به وجود آمدن نوعی دوگانگی فرهنگی و ارزشی در ایران بود و بدین شکل بحران هویت زاده شد.

برگزاری جشنهای شاهنشاهی و تغییر تقویم هجری به شاهنشاهی نیز از جمله اصلاحاتی بود که رژیم برای ترویج شبه ایران گرایی و باستان گرایی به راه انداخت.

مبدأ تقویم شاهنشاهی، بنیانگذاری شاهنشاهی ایران به دست کوروش بود. این تغییر ناگهانی، ایرانیان را از سال ۱۳۵۵ به سال ۲۵۳۵ شاهنشاهی برد.

همچنین ایدئولوژی شاهنشاهی به مثابه یکی از اجزای مهم نظام سلطنتی، شاه شاهان را به عنوان نهاد حاکمیت بلامنازع معرفی کرد و او را سایه به خدا شمرد.

هویت سازی پهلوی از یکسو با فرهنگ ایرانی در تعارض بود و از سوی دیگر با آموزه های دینی رویارویی داشت.

از جمله اقدامات محمدرضا (پهلوی دوم) که نشان دهنده ی تضاد آشکاری میان توسعه گرایی و فرهنگ بومی بود، اقداماتی چون: ایجاد سپاه دانش و تأسیس دانشکده ی الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران، طرح اعزام روحانیون به سربازی، طرح آزمون گیری دولتی از طلاب علوم دینی و حذف سوگند به قرآن مجید در سوگند نمایندگی و نیز تبعید رهبران مذهبی به ویژه امام خمینی.

نکته: انقلاب سفید شاه و فراندوم شاه و ملت برای نفی تظاهر مذهبی بود.

یکی از پارادوکس های هویت سازی پهلوی بازگشت به ایران باستان با احیای مظاهر فرهنگی غرب بود

پارادوکس عملکرد رژیم پهلوی در بحث از عزت مندی از آنجا ظاهر می شد که محمدرضا در مقابل آمریکا نه تنها به باج خواهیهای آنها تمکین می کرد، بلکه بدان مشروعیت نیز می بخشید. شفاف ترین این اقدام، «لایحه کاپیتولاسیون» و تصویب آن در مجلس شورای ملی بود، که مصونیت قضایی مستشاران و مأموران آمریکایی را در ایران تضمین می کرد. این لایحه حکایتگر وابستگی و سرسپردگی رژیم پهلوی بود.

دفاع از هویت ایرانی و تقابل با فرهنگ اسلامی نیز از دیگر رفتارهای متناقض دولت پهلوی به شمار می رفت، در حالی که فرهنگ اسلامی به ویژه شیعی در طول اعصار در ایرانیان و فرهنگ ایرانی ریشه دوانده است. در چنین فضایی رژیم پهلوی در معارضه با فرهنگ اسلامی به بهانه دفاع از هویت ایرانی دچار تناقض بود.

فصل پنجم

فرایند تکامل الگوی پیشرفت و تعالی بر اساس مبانی دینی، با نفی استعمار آغاز می‌گردد.

دوره پهلوی اول (۱۳۰۴ - ۱۳۲۰) برابر است با خصومت شدید علیه فرهنگ اسلامی و نهادهای دینی که این مسئله در رشد بیداری اسلامی و روند تکاملی تعالی طلبی نقش مؤثری ایفا نمود.

در حقیقت هر قدر سرعت اقدامات ترقی خواهانه بیشتر می‌شد، حرکت تعالی خواهی نیز رشد و تکامل بیشتری می‌یافت.

نمونه‌ی بارز تعالی طلبی در پهلوی اول (رضا شاه) تأسیس حوزه علمیه قم به کوشش آیت شیخ الله عبدالکریم حائری یزدی بود که عمده ترین نتیجه آن، انتقال مرکز مرجعیت شیعه از حوزه علمیه نجف به این حوزه (قم) بود.

آیت الله حائری در مبارزات خود شکل سومی از مبارزه نهاد دینی را پدید آورد که پی ریزی حرکت فرهنگی حوزوی و اصیل شیعی در برابر امواج فزاینده و مخرب غرب گرای بود، اگر علمای پیشین با دو ضلع استعمار و استبداد درگیر بودند، او به ضلع سوم یعنی لائیتیسیم توجه کرد و آن را جبهه اصلی مقابل دین برشمرد.

بی گمان تقویت فرهنگ دینی از سوی آیت الله حائری بعدها سبب پیشی گرفتن اندیشه‌ی دینی بر سکولاریسم شد.

واکنش مهم دیگر علیه سیاستهای مذهبی رضا شاه، در سال ۱۳۰۶ شمسی به رهبری آیت الله نور الله اصفهانی شکل گرفت.

از رویدادهای دیگر عصر حکومت رضا شاه قیام مسجد گوهر شاد در تیر ماه ۱۳۱۴ است. این قیام در اعتراض به دستگیری آیت الله حسین قمی که (در اعتراض به ترویج کلاههای اروپایی به تهران آمده بود) شکل گرفت.

با شکست دیکتاتوری رضا شاه و تبعید وی در ۲۵ شهریور ۱۳۲۰ به یکباره زنجیره‌های استبداد از هم گسست و نیروهای مذهبی همچون دیگر نیروها از بند حکومت رضا شاه آزاد شدند.

نیروهای مذهبی در اوایل ۱۳۲۰ با اندیشه‌های احمد کسروی، مبانی کمونیست و باورهای بهائیت مبارزه می‌کردند، بارزترین کتابی که در روند این مبارزات نوشته شد، کتاب کشف الاسرار امام خمینی(ره) است.

از پدیده‌های جریان احیای تفکر دینی در دهه‌ی ۱۳۲۰ ظهور امام خمینی(ره) در صحنه‌ی سیاسی- مذهبی ایران است.

ورود آیت الله بروجردی به عرصه مرجعیت، ایشان در سال ۱۳۲۳ با ورود به حوزه علمیه قم سرآغاز تحولی عظیم در مرجعیت شیعه شدند.

در سال ۱۳۲۵ آیت الله اصفهانی درگذشت و از این تاریخ تا سال ۱۳۴۰ آیت الله بروجردی رهبری شیعیان را بر عهده گرفت.

در دهه‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۰ دو رکن مهم دیگر به ارکان فعالیت جنبشی بیدارگری اسلامی افزوده شد، یکی مطبوعات دینی و دیگری نیز شاخه یا گرایش دین باور جنبش دانشجویی بود.

حضور عمیق شاخه دین باور جنبش دانشجویی و مطبوعات در دوران پهلوی دوم است.

یکی از بارزترین صحنه های پیروزی جنبش بیداری اسلامی و حرکت در راستای تعالی خواهی، نهضت ملی شدن صنعت نفت است، این نهضت مهم ترین حرکت ضد استعماری دهه ی ۱۳۲۰ به شمار میرود.

در جریان ملی شدن صنعت نفت، دو گرایش فکری ملی و مذهبی به هم رسیدند و با اقدامات متحدانه خود در دفاع از حقوق مردم و با تکیه بر قاعده «نفی سبیل» به نفی سلطه انگلیسی بر ایران پرداختند.

آیت الله کاشانی با توجه به پایگاه مردمی اش و مذهبی بودن جامعه ایران توانست همچون پلی ارتباطی مردم مذهبی را با اندیشه های جبهه ی ملی پیوند دهد.

قیام ۳۰ تیر ۱۳۳۱ که با فتوای آیت الله کاشانی صورت گرفت، یکی دیگر از نمودهای بیداری اسلامی در زمان پهلوی دوم بود که در واقع اوج قدرت و نیرومندی مرجعیت شیعه و نهادهای دینی را در مسائل سیاسی می نمایاند.

آیت الله بروجردی برای خروج روحانیت شیعه از انزوای مذهبی تلاش های فراوانی را انجام داد. او هیئت هایی از مبلغان جوان حوزه ی علمیه قم را برای رسیدگی به امور مسلمانان به کشورهای گوناگون روانه کرد و در اروپا، آفریقا و آمریکا مراکز اسلامی ویژه شیعیان تأسیس نمود.

فرآیندی که در عصر پهلوی دوم با سرعت به سوی ترقی خواهی در جریان بود، منجر به شکل گیری چالش های مختلف از جمله بحران هویت در ایران گردید.

دهه های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ با توجه به احیای تفکر دینی و روند تکاملی تعالی طلبی، در تاریخ معاصر ایران و شکل گیری زمینه های پیروزی انقلاب اسلامی جایگاه ویژه ای دارد، رهبری این دو دهه را امام خمینی (ره) برعهده داشت.

برخی روحانیون و در رأس آنها امام خمینی (ره) می کوشیدند تا سیاست را به محور مرجعیت بازگردانند، این اسلام سیاسی احیا شده به کمک آرای امام خمینی (ره) به طور مشخص با انتشار کتاب کشف الاسرار انتشار یافت و به تدریج اساس فعالیت و رقابت سیاسی شد؛ و در طول دهه های ۱۳۴۰، ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷ به صورت ایدئولوژی برتر درآمد و توانست توده ها را بسیج کند.

الگوی ولایت فقیه در دیدگاه امام خمینی (ره) فرآیند تکامل الگوی تعالی را رونق بخشید. اصول و مبانی این تفکر حاکی از نفی صریح سلطنت و ارائه نظریه ی «ضرورت تشکیل حکومت اسلامی» برای رسیدن به این تعالی بود.

تصویب لایحه ی انجمن های ایالتی و ولایتی در ۱۶ مهر ۱۳۴۱ و واکنش صریح امام خمینی (ه) به این مصوبه جهت لغو آن موجب شد که امام خمینی (ره) از این به بعد رسماً فعالیت های خود را با فراخوانی و تشکیل جلسات مشورتی میان علمای قم آغاز کند.

مرحله اول نهضت اسلامی با عقب نشینی رژیم پهلوی و لغو لایحه ی انجمن های ایالتی و ولایتی در آذر ۱۳۴۱ به موفقیت به پایان رسید.

قیام ۱۵ خرداد ۴۲ را میتوان نقطه عطفی در تاریخ تکامل الگوی تعالی به شمار آورد.

قیام ۱۵ خرداد در واقع نمودار گرایش جدی تر روحانیون به فعالیت های سیاسی بود.

رویگرد نوین بازاریان به سوی ایدئولوژی اسلام به رهبری مراجع تقلید و روحانیون از ویژگیهای بیداری اسلامی دهه ی ۱۳۴۰ است.

در فاصله ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ تا ۱۳ آبان ۱۳۴۳ امام خمینی(ره) به سبب مبارزات جدی با حکومت پهلوی و اعتراضات شدید به لایحه ی کاپیتولاسیون، دستگیر و به ترکیه و سپس عراق تبعید شد.

دانشجویان مذهبی با شخصیت‌های فعال و مبارز روحانی در ارتباط بودند که نامدارترین آنها در سال های نخستین دهه ی ۱۳۴۰ علامه طباطبایی، شهید استاد آیت الله مطهری، آیت الله طالقانی بودند، این افراد در نخستین کنگره این جنبش نیز که در سال ۱۳۴۱ تشکیل شد، شرکت داشتند.

فعالیت های انجمن اسلامی در این سال ها بر محور دفاع از دین در برابر افکار مارکسیستی و اندیشه های غربی بود که بر همبستگی ملل مسلمان نیز تاکید می کرد.

نیمه دوم سال ۱۳۴۳ از لحاظ سیاسی سرآغاز دیگری برای استبداد سلطنتی بود؛ تبعید امام خمینی(ره)، پنهان شدن فعالیت‌های سیاسی، گواهی بر این مدعاست که در نتیجه ی آن نهضت انقلاب اسلامی تا سال ۱۳۴۶ دچار رکود مقطعی گردید.

علاوه بر مصلحان دینی، اندیشه های افرادی چون جلال آل احمد و علی شریعتی نیز در خدمت تعالی خواهی بود.

آل احمد با نگارش کتاب «غرب زدگی» و سپس «در خدمت و خیانت روشنفکران» به تبیین ابعاد غربزدگی و روشنفکری پرداخت.

فعالیت‌های فکری دکتر شریعتی نیز سبب تحریک تفکرات اسلامی در قشر دانشگاهی و دور کردن آنها از تفکرات غرب گرایانه و مارکسیستی اهمیت شایانی دارد. وی با طرح گفتمان «بازگشت به خویشتن»، گفتمان «غرب زدگی» آل احمد را پی گرفت.

از نظر آل احمد، مذهب شیعه ایدئولوژی مناسبی برای بسیج سیاسی است .

بیداری اسلامی در روند تکاملی تعالی طلبی از سال ۱۳۴۸ با طرح نظریه ی حکومت اسلامی از سوی امام خمینی(ره) وارد مرحله ی تازه ای شد. ایشان نظریه حکومت اسلامی را با عنوان «ولایت فقیه» در مسجد شیخ انصاری نجف آغاز کردند. امام خمینی(ره) کوشید تا اثبات کند؛ دین از سیاست جدا نیست و اسلام واقعی، دینی سیاسی - اجتماعی است و ایدئولوژی اسلامی فراتر از عبادات میباشد.

از جمله دلایل ایجاد فضای باز سیاسی و مساعد برای جنبش‌های بیداری اسلامی در سال ۱۳۵۶:

۱- یکی از مهم‌ترین این عوامل، روی کار آمدن دموکراتها در آمریکا بود که با مطرح کردن شعار حقوق بشر، زمینه ی فشار بر شاه برای ایجاد فضای باز سیاسی فراهم گردید.

۲- درگذشت مشکوک آیت الله سید مصطفی خمینی، فرزند ارشد امام خمینی در سال ۵۶ و همچنین درج مقاله ی توهین آمیز در روزنامه نسبت به امام؛ بستر مناسبی برای حرکت علیه دولت پهلوی و تحقق انقلاب اسلامی فراهم نمود. الگوی پیشرفت و تعالی در حقیقت به دنبال رسیدن به پیشرفت بر پایه مبانی معرفتشناسی و انسان شناسی بود.

انقلاب اسلامی، نقطه تکامل بیداری اسلامی و به دنبال ارائه الگویی بود تا جامعه ایران را به دور از وابستگی به غرب به پیشرفت برساند.

فرایند بسیج سیاسی در ایران با نارضایتی های عمومی و آگاهی بخشی به مردم آغاز شد.

روند تحولات تا پیروزی انقلاب اسلامی را میتوان به ۴ دوره تقسیم کرد:

یک: مرحله ی تظاهرات در سطح محلی (از دی ۵۶ تا تیر ۵۷)

دو: مرحله گسترش تظاهرات مردمی در سطح کشور (مرداد تا مهر ۵۷)

این مرحله با آغاز ماه رمضان در سراسر کشور آغاز شد.

بی سابقه ترین تظاهرات خیابانی، بعد از نماز عید فطر در سال ۱۳۵۷ برگزار شد که رژیم برای فایق آمدن بر مردم، در ۱۷ شهریور کشتار فجیع جمعه ی سیاه را در میدان ژاله به راه انداخت.

این فاجعه ی (جمعه سیاه) از مهم ترین وقایع دوران انقلاب بود که منجر به شکل گیری و گسترش موج شدید اعتراضات مردم شد، پس این اقدام خشونتبار، سرعت جریان انقلاب شتاب بیشتری گرفت.

سه: مرحله ی اعتصابات و تظاهرات (مهر تا آذر ۵۷)

ویژگی عمده این مرحله از اعتراضات (مهر تا آذر ۵۷) در روند پیروزی انقلاب، استفاده از روش مقاومت بدون خشونت و راه اندازی اعتصابات بود.

چهار: مرحله سرنوشت ساز کنش های جمعی (آذر تا بهمن ۵۷)

امام خمینی (ره) راهنمایی تاسوعا و عاشورا را به منزله فرماندومی مجدد شمرد که برای هیچکس ابهامی باقی نگذاشت.

ویژگی عمده این مرحله تظاهرات (آذر تا بهمن ۵۷)، کنش یا عمل سیاسی مردم بود که در مواقعی مستقیماً با سربازان دولتی درگیر می شدند و یا حتی پادگان ها را تصرف می نمودند و سلاح ها را خارج می کردند. برخی از شهرها نیز کاملاً به تصرف مردم درآمد.

احزاب و گروه های مختلف نیز در روند انقلاب گاه از حیث اهداف و خواسته ها با انقلاب اسلامی به مخالفت برمیخواستند و گاهی تا حدودی با آن همراه می شدند؛ از جمله جریان های فکری و احزاب در آستانه انقلاب اسلامی می توان به ۱- حزب توده ایران ۲- سازمان چریکهای فدایی خلق ایران ۳- جبهه ی ملی ایران ۴- نهضت آزادی ایران ۵- سازمان مجاهدین خلق ۶- هیئت های مؤتلفه ی اسلامی اشاره کرد.

۱- حزب توده ایران :

حزب توده که یکی از احزاب مارکسیستی است و پس از کودتای ۲۸ مرداد منفعل شد سعی داشت با تغییر شعار مردم از «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» به «استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی» به نفی جمهوری اسلامی بپردازد.

حزب توده سعی داشت، «نه شرقی» را از شعار معروف «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» حذف کند و به گسترش دیدگاه‌های کمونیستی خود در میان مردم بپردازد.

با فراگیر شدن اندیشه‌ی اسلامی در نماد انقلاب، این حزب مجبور شد، وجه اسلامی از خود نشان دهد.

آن‌ها در این راه حتی اصطلاحات خاص اسلامی را به کار گرفتند، مثلاً به جای سوسیالیسم از «بینش توحیدی» و به جای پرولتاریا از «مستضعفین» استفاده می‌کردند.

۲- سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران:

این گروه مارکسیستی که در اوایل دهه ۴۰ با معافیت مسلحانه مبارزه خود را شروع کرده بود، در اوایل دهه ۵۰ رهبران اصلی چریک‌های فدایی خلق دستگیر شدند و پرونده این گروه در همین سال‌ها بسته شد و به همین جهت در فضای انقلابی نیز حضور نداشتند.

این گروه همچون حزب توده به دلیل ناهماهنگی اعتقادی و اخلاقی با مبانی انقلاب در میان مردم پایگاهی نیافتند و در جریان پیروزی انقلاب اسلامی نقشی ایفا نکردند.

تضاد چریک‌های فدایی خلق با انقلاب اسلامی پس از پیروزی آن به اوج خود رسید.

۳- جبهه‌ی ملی ایران

جبهه‌ی ملی یکی از بزرگترین احزاب تاریخ سیاسی اخیر ایران است.

این حزب از چند حزب کوچکتر تشکیل شده بود که شامل: حزب ایران، حزب پان ایرانیسم، حزب مردم ایران و نیروی سوم. وجه اشتراک این احزاب (که زیر بنای جبهه‌ی ملی بودند): در ترجیح ایرانی بودن بر اسلامی بودن، جدا دانستن دین از سیاست و عملکرد غیر مذهبی، بود. این جبهه در آبان ۱۳۲۸ از سوی ملی‌گرایان ایرانی با هدف خارج کردن ایران از دامن انگلیسی تأسیس شد.

ملی‌گراها با حضور انگلیسی در ایران مخالف بودند و هدف عمده‌ی آنها مخالفت با نفوذ انگلیس در ایران و ملی کردن صنعت نفت کشور بود، جبهه‌ی ملی به آمریکایی‌ها روی خوش نشان می‌دادند و خواستار گسترش رابطه با آنها بودند.

در جریان انقلاب اسلامی، جبهه‌ی ملی با تکیه بر قانون اساسی مشروطیت و تأکید بر اینکه شاه باید سلطنت کند نه حکومت، عملاً نشان داد که با اندیشه‌های انقلاب در تعارض است.

جبهه‌ی ملی در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی، اوضاع را برای قرار گرفتن در رأس قدرت مناسب دید، لذا شاهپور بختیار، یکی از رهبران این حزب نخست وزیر حکومت شاهنشاهی شد.

جبهه‌ی ملی پس از انقلاب در جریان تصویب لایحه‌ی قصاص در مجلس شورای اسلامی، علیه این لایحه موضع گرفت و از مردم خواست در اعتراض به آن راهپیمایی کنند، سرانجام امام خمینی(ره) با اعلام ارتداد بانیان این راهپیمایی به زندگی سیاسی جبهه‌ی ملی در داخل کشور پایان داد.

۴- نهضت آزادی ایران

نهضت آزادی ایران در سال ۱۳۴۰ به عنوان گروهی منشعب از جبهه‌ی ملی به وجود آمد.

نهضت آزادی با این هدف که یک گروه سیاسی - مذهبی باشد، شکل گرفت؛ اما نهایتاً به فعالیت سیاسی پرداخت؛ چرا که اساساً فلسفه تأسیس آن نوعی مبارزه سیاسی بود نه مبارزه با بی دینی

بازرگان در مقام یکی از بنیانگذاران این نهضت، هدف از تشکیل آن را «حفظ اصالت نهضت ملی در چارچوب وحدت با جنبش نوین اسلامی» عنوان کرده بود.

با اوج گیری مبارزات مردم، نهضت آزادی همچون دیگر گروه‌های سیاسی ناگزیر شد با امواج خروشان مردم همراه شود، لذا در آستانه پیروزی انقلاب، اطلاعیه‌های نهضت آزادی و حتی جبهه‌ی ملی رنگ مذهبی به خود گرفت.

بازرگان طی مصاحبه‌ای بختیار را مردی وطن پرست و بسیار منطقی معرفی کرد در حالی که امام خمینی(ره) بختیار را ته مانده‌ی استعمار، خائن، نوکر و آدمکش معرفی کرد.

امام خمینی(ره) در راستای هدایت و امید به اصلاح نهضت اسلامی، در چهارمین روز بازگشت به ایران، مهندس بازرگان را با پیشنهاد شورای انقلاب به نخست وزیر منصوب کرد و پس از انقلاب اسلامی نیز این دولت با نام «دولت موقت انقلاب اسلامی» اداره کشور را برعهده گرفت.

از جمله عوامل مغایرت عملگرد نهضت آزادی با جریان انقلاب :

۱- اعتقاد به جدایی دین از سیاست ۲- علم زدگی ۳- وابستگی و خوشبین بینی قدرت‌های جهانی به ویژه آمریکا ۴- نداشتن شم سیاسی ۵- سازمان مجاهدین خلق

آشنایی آنان با مذهب، اغلب از طریق آثار مهندس بازرگان بود، به گفته‌ی خود سازمان، آموزش‌های دینی پس از قرآن و نهج البلاغه بر محور کتاب «راه طی شده» از آثار بازرگان قرار می گرفت.

یکی از مظاهر بی اعتقادی مجاهدین به اسلام حوزوی، عدم اعتقاد آنها به رساله‌های علمیه بود که آنان را محصول شرایط دوره‌ی فتووالیسم میدانستند.

۶- هیئت‌های مؤتلفه‌ی اسلامی

از این گروه‌های نام برده شده، هیئت مؤتلفه اسلامی همراه با مردم و در جهت اهداف انقلاب حرکت کردند.

این جمعیت با نظر امام، ارکان خود را به دو بخش کمیته ی مرکزی و شورای روحانی، تنظیم کرد، اما بعدها شاخه ی نظامی نیز به ارکان ان اضافه شد.

مؤتلفه کوشید تا مبارزه منسجمی را بر اساس آرمان های امام آغاز کند، آنها در امر دین شناسی، تنها به مرجعیت نظر داشتند. و برخلاف مجاهدین، خواهان تدوین ایدئولوژی مستقلی نبودند.

این جمعیت از سازماندهی کارآمدی برخوردار بود و در طول سالهای ۱۳۴۴ تا ۱۳۵۶ پیام های امام خمینی(ره) را به سرعت در سراسر کشور توزیع می کرد

هیئت های مؤتلفه ی اسلامی، سازماندهی هیئت های مذهبی و مردمی برای شرکت در تظاهرات و راهپیمایی ها، نقش موثری را ایفا نمود. پس از پیروزی انقلاب این تشکیلات همچنان در خط امام و انقلاب باقی ماند.

عمده ترین تفاوت انقلاب اسلامی با دیگر انقلاب ها، فرهنگی و هویتی بودن آن است.

انقلاب اسلامی را میتوان از منظر هویت فرهنگی به عنوان عامل اصلی وقوع این انقلاب بررسی نمود.

تأکید بر فرهنگی بودن انقلاب اسلامی و اصرار بر استقلال از دیگر قدرتها و بازیابی هویت خودی، از جمله مسائلی است که در آرای امام خمینی در خصوص انقلاب اسلامی مطرح شد.

امام خمینی از انقلاب اسلامی با عنوان انقلابی فرهنگی یاد می کند.

نگاه امام به عنصر «فرهنگ»، نگاهی مبنایی و زیربنایی است.

فرهنگ در اندیشه ی امام خمینی عنصری است که هجوم به آن در رأس تمامی اهداف استعمارگران است.

امام خمینی در بیانات خود بر ضرورت اتکا به فرهنگ خودی و نفی غرب تأکید داشت و حرکت انقلابی مردم را در راستای نفی فرهنگ غربی دانسته، از این رو استقلال فرهنگی را، از دستاوردهای انقلاب اسلامی می دانست.

امام خمینی اعتقاد و استقلال مردم و شعار نه شرقی و نه غربی را عامل اصلی کینه تمام ناشدنی استکبار به ملت ایران میدانستند.

امام خمینی در پیامی تأکید داشتند «تشکیل حکومت اسلامی سرلوحه ی اهداف این نهضت مقدس است و ضمانت از آزادی و استقلال، از ثمرات آن است»، در این زمان شعار استقلال به عنوان یکی از شعارها، نقش مهمی دارد.

امام خمینی در آرای خود، موضوع هویت خواهی و استقلال طلبی را از اهداف انقلاب اسلامی برشمرده و با طرح این دو موضوع آن را از دیگر انقلاب ها متمایز می سازد.

شعارهای هرانقلاب اسناد گران بها و یکی از مهم ترین منابع مطالعه ی ارزش ها و آرمان های آن انقلاب به شمار میرود.

ویژگی های شعارهای انقلابی :

۱- فهم پذیر بودن

۲- ریشه داشتن در پیشینه تاریخی مشترک

۳- جذابیت و سادگی

طبق پژوهشی که در سال ۸۳ انجام گرفته (حدود ۴۰٪) شعارها درباره ی اهداف و ارزش های سیاسی، (حدود ۵۴٪) درباره ی ارزش های فرهنگی و (حدود ۶٪) از شعارها مربوط به ارزشهای اقتصادی بوده است.

وضعیت نامطلوب فرهنگی و نیز ماهیت نامطلوب منتج از آن، اساسی ترین ریشه و علل وقوع انقلاب اسلامی بوده است.

نظریه های به دست آمده درباره ی انقلاب ها را میتوان به نظریه های سطح خرد و سطح کلان تقسیم بندی کرد.

در نظریات سطح خرد:

برای تبیین دیدگاه‌ها و کنش‌های سیاسی افراد، برداشته‌ای ذهنی و فرآیندهای فکری آنها و عوامل محیطی مدنظر است. بر روانشناسی افراد در تحلیل چگونگی انقلاب تأکید می‌شود.

در این نظریه به فرد یا شخصیت خاص کسی که می‌تواند سبب عصیان یا انقلابی شدن او شود، توجه می‌گردد.

«تدرابرت گر» در کتاب خود به نام «چرا انسان‌ها شورش می‌کنند؟» نظریه‌ی «محرومیت نسبی» را مطرح نمود که بر اساس آن، محرومیت مقوله‌ای ذهنی و روان‌شناختی است، از نظر او محرومیت مقوله‌ای نسبی است که زمینه‌ی ایجاد انقلاب را فراهم می‌آورد.

از دیگر کسانی که بر روان‌شناختی در انقلاب تأکید دارند، میتوان به جیمز دیویس اشاره نمود.

در نظریات سطح کلان:

به مسائل کلان که همان ساختارهای اجتماعی است، توجه ویژه می‌شود؛ برپایه‌ی این نظریات، ساختارهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی به گونه‌ای شکل می‌گیرد که منجر به وقوع انقلاب می‌شود.

نظریات سطح کلان را می‌توان به نظریات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دسته‌بندی نمود.

در این میان نظریات اقتصادی عمده‌ترین عامل انقلاب را در مسائل و نارضایتی‌های اقتصادی می‌یجوید- این نظریه‌ها اغلب برگرفته از اندیشه‌های مارکس است که اقتصاد را عامل زیربنای هر جامعه می‌دانست.

نظریات در تبیین انقلاب اسلامی :

۱- تدا اسکاچپول (نظریه دولت تحصیلدار)

اسکاچپول معتقد است که انقلاب در جوامع دهقانی و کشاورزی رخ میدهد که تحت فشار بین‌المللی برای توسعه‌اند و در روند این توسعه، دولت برای تأمین هزینه‌ها، بر مردم فشار می‌آورد، این فشارها در نهایت منجر به شورش مردم میگردد که در صورت ناتوانی حکومت در سرکوب آن، انقلاب رخ می‌دهد.

اسکاچپول معتقد است که انقلابها غیرارادی اند و مسائل اقتصادی و مشکلات ناشی از آن، خارج از اراده افراد موجب ایجاد انقلاب می‌گردند.

عدم تطابق نظریه‌ی اسکاچپول با انقلاب ایران وی را بر آن داشت که برای توجیه انقلاب اسلامی ایران مقاله‌ای به عنوان «دولت تحصیلدار و اسلام شیعی» بنویسد. در این مقاله بیان می‌دارد که تنها انقلابی که آگاهانه ساخته شد، انقلاب اسلامی ایران بود.

نکته‌ی حائز اهمیت برای اسکاچپول، توان ایدئولوژی اسلام شیعی در جهت متحد کردن ایرانیان است.

۲- جیمز دیویس (نظریه توقعات فزاینده)

نظریه جیمز دیویس، وجه های روانشناسانه دارد و از همین رو، وی عامل انقلاب را نوعی نگرش افراد به عالم خارج معرفی می کند.

وی معتقد است که احتمال وقوع انقلاب زمانی پیش خواهد آمد که پس از مدتی طولانی از رشد اقتصادی و اجتماعی، یک دوره کوتاه عقب گرد سریع پیش آید؛ عقب گردی که با آثار روانی خود زمینه ی انقلاب فراهم می کند. به بیانی دیگر رشد اقتصادی طولانی موجب افزایش انتظارات می شود و رکود و عقب گرد کوتاه مدت نیز بستر ساز انقلاب خواهد بود.

از منظر جیمز دیویس، ثبات و بی ثباتی سیاسی به وضعیت فکری جامعه بستگی دارد. در حقیقت وجود نارضایتی است که انقلاب را میسازد، نه شرایط ملموس اقتصادی.

آبراهامیان، یکی از تحلیلگران انقلاب اسلامی سعی کرده تا این نظریه را با علل رویداد انقلاب اسلامی ایران بسنجد.

«آبراهامیان» در تطبیق نظریه ی «توقعات فزاینده» با انقلاب اسلامی ایران، ضمن اشاره به دستاوردهای رژیم پهلوی در توسعه ی اقتصادی، به افزایش انتظارات مردم در پی افزایش درآمدهای نفتی و ناتوانی رژیم از پاسخگویی به این توقعات اشاره می کند و این ناتوانی رژیم را در پاسخگویی به توقعات مردم زمینه ساز انقلاب اسلامی ایران می داند.

او معتقد بود که پنج برابر شدن ناگهانی درآمدهای حاصل از نفت در سه سال اخیر عمر رژیم موجب بالاتر رفتن توقعات مردم شد.

۳- میشل فوکو (نظریه ی فرهنگی انقلاب)

تلاش نمود تا از منظر فرهنگی، انقلاب ایران را مورد بررسی قرار دهد.

فوکو در بررسی هایش تأکید می ورزد که این انقلاب نمی تواند با انگیزه های مادی و اقتصادی صورت گرفته باشد، چرا که اگر این انگیزه ها در کار بود مرفهان و ثروتمندان هیچگاه در آن شرکت نمی کردند و از دیدن اراده جمعی مردم یا وحدت کلمه مردم ایران شگفت زده می شود.

وی عامل اصلی وقوع انقلاب را شکست مدرنیسم می داند و معتقد است که دوران نوسازی در ایران به سر آمده است.

فوکو بر آن باور است که مذهب شیعه دارای ویژگی هایی است که فرهنگ غرب از آن تهی است.

فوکو انقلاب اسلامی ایران را بر خلاف جریان مدرنیسم و اساساً متفاوت با انقلاب های دیگر می داند، او این انقلاب را برگرفته از مبانی اعتقادی شیعه دانسته و با این اساس به تحلیل آن می پردازد.

فصل هفتم

دوره اول پس از انقلاب که دوره تثبیت نظام است در دو قالب بررسی می شود. چالش حفظ و بقای نظام در برابر موانع داخلی، چالش حفظ نظام در برابر موانع خارجی.

قبل از تثبیت کامل نظام جمهوری اسلامی در آغاز انقلاب، دولت موقتی با ریاست مهندس بازرگان تشکیل شد تا بتواند زمینه تثبیت را تا انتخابات ریاست جمهوری فراهم آورد اما در این راه موفق نشد.

دولت موقت تنها توانست انتخابات خبرگان قانون اساسی و همه پرسی تعیین نوع نظام جمهوری اسلامی را برگزار نماید.

شورای انقلاب بر پدیده انقلاب نظام تأکید داشت اما دولت موقت بر پدیده نظام اصرار می ورزید.

قطب بندی سیاسی در دوران نخستین انقلاب به سمت تمرکز بر نیرو و نهادهای سیاسی پیش رفت .

نکته: چالش های ناشی از تقابل نگرش های موجود در طول دولت انتقالی تا روز پس از تسخیر سفارت آمریکا در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ ادامه داشت. در حقیقت آخرین حادثه قبل از کناره گیری دولت انتقالی، تسخیر سفارت آمریکا بود که از آن به انقلاب دوم یاد می شد.

آمریکا پس از شکست خوردن سیاستهایش در ایران از سال ۵۷ تا ۵۹ به ترور شخصیت های فکری، سیاسی و مذهبی روی آورد و این امر صدمات جبران ناپذیری بر پیکره نظام وارد کرد.

پس از آن کودتای ناموفق نوژه در سال ۱۳۵۹ بود که با موفقیت توسط سپاه پاسداران خنثی شد. با شکست این موارد، گزینه جنگ مطرح شد. تهاجم نظامی به ایران ضمن تهدید امنیت کشور، دست آوردهای پیروزی حاصل از انقلاب را نیز به چالش می کشید. مسئله مهم در رویارویی با جنگ، تقویت قوای داخلی بود.

نکته: در طول سومین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی که بعد از جنگ عراق علیه ایران برگزار شد، گروه سیاسی جدیدی به نام «مجمع روحانیون مبارز» شکل گرفت. این رخدادهای گویای تکوین چارچوب جدید اندیشه ای در دستگاه سیاستگذاری و تصمیم گیری کشور بود.

در مهر ماه سال ۶۷ امام در پیامی نه ماده ای پیامی را صادر کرد که در این پیام به موارد زیر اشاره شده است:

۱- تأکید بر سیاست نه شرقی و نه غربی

۲- استفاده از نظر کارشناسان

۳- توسعه و تکاملی بنیه دفاعی کشور

۴- توجه به بازسازی مراکز صنعتی

۵- برنامه ریزی برای رسیدن به رفاه توأم با شعائر اسلامی

۶- پرهیز از فرهنگ مصرف و تأکید بر حفظ ارزشی ها و شئون اخلاقی جامعه.

نکته: از فضای حاکم بر سیاست های دوران بعد از جنگ ایران و عراق می توان با (گفتمان سازندگی و توسعه اقتصادی) یاد کرد.

پس از جنگ تحولات متعددی در ایران رخ دارد که از آن جمله می توان به تحولات فرهنگی و تحولات اقتصادی اشاره کرد. اجرای برنامه های توسعه مستلزم بهره گیری از الگوهای فرهنگی خاصی در کشور بود که از آن به فرهنگ توسعه تعبیر می شود. بحث های تهاجم فرهنگی که بعدها شدت یافت رهبر انقلاب آن را شبیخون فرهنگی نامید.

در دهه های بعدی انقلاب گفتمان اصلاحات شکل گرفت که این گفتمان با تأکید بیشتر بر استفاده از الگوهای بیرونی مبتنی است.

ستاد جنگ های نامنظم در جبهه ها با مدیریت و تلاش دکتر چمران و حضرت آیت الله خامنه ای نخستین هسته های مقاومت سازمانی در برابر نیروهای مهاجم در عراق را بنیان گذاری نمود .

پیام امام خمینی (ره) در سال ۶۷ به منشور برادری معروف شد .

کتاب آیات شیطانی نمونه ای از مقابله های جدید با نظام جمهوری اسلامی بود .

یکی از اساسی ترین موضوعاتی که در گفتمان اصلاحات مطرح گردید موضوع تقدم توسعه سیاسی بر توسعه اقتصادی بود.

نکته: گفتمان عدالت از سال ۱۳۸۴ با انتخاب ریاست جمهوری مطرح شد. موضوع محوری این گفتمان توجه به یکی از اساسی ترین آرمان های انقلاب اسلامی یعنی عدالت اجتماعی بود که در تحولات بنیادین اجتماعی نقش اساسی دارد .

شعار آزادی یکی از اساسی ترین آرمان های انقلاب اسلامی بود .

فصل هشتم

دست آوردهای انقلاب را میتوان به دو دسته دست آوردهای داخلی و خارجی تقسیم کرد :

اول. دست آوردهای داخلی

۱- دست آوردهای سیاسی:

الف) سرنگونی نظام شاهنشاهی و استقرار حاکمیت الهی

ب) افزایش بینش و مشارکت سیاسی مردم

ج) استقلال و دگرگونی اصولی سیاست خارجی

نکته: سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هرگونه سلطه جویی و سلطه پذیری، حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت های سلطه گر و روابط صلح آمیز با دول غیر محارب استوار است.

۲- دست آوردهای فرهنگی

الف) نفی مظاهر فرهنگی غرب و مقابله با تهاجم فرهنگی

در دوره پهلوی الگوی استعمار و استبداد بر استحاله فرهنگی ایران پایه ریزی شده بود و پرای تحقق این هدف عرصه های گوناگون مثل هنر و ادبیات، سینما، تئاتر، رادیو و تلویزیون، مطبوعات و کتاب تحت سیطره ارزش های غربی درآمد اما انقلاب اسلامی که ابتدا یک انقلاب فرهنگی بود با تعمیم خود باوری فرهنگی زمینه را برای پرورش نسل خود باور فراهم کرد. استعمار نو شیوه های خود را برای تجارت اموال و منابع کشورهای جهان سوم بر پیه ی سلطه فرهنگی استوار ساخت .

ب) عمومی شدن آموزش و ارتقای سطح علمی جامعه

ج) ارتقای جایگاه زن در اجتماع

د) ایجاد روحیه خود باوری

مقوله خود باوری بدون شک مهم ترین دست آورد اجتماعی انقلاب اسلامی ایران در سطح داخلی به شمار میرود.

نکته: از دیگر دست آوردهای انقلاب اسلامی می توان به ۱- تأمین حقوق افراد؛ ۲- ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای عموم؛ ۳- تساوی همگان در برابر قانون؛ ۴- توسعه و تحکیم برادری اسلامی؛ ۵- تعاون عمومی بین مردم و نیز تدوین قوانین و مقررات بر اساسی موازین اسلامی اشاره کرد .

دوم . دست آوردهای بین المللی

مهم ترین پیامد انقلاب، تأثیر بر فرهنگ روابط بین الملل است.

تأثیر انقلاب اسلامی بر فرهنگ نظام بین‌المللی در این زمینه‌ها بررسی می‌شود:

۱- ترویج فرهنگ مردمسالاری دینی

۲- ترویج فرهنگ استقلال خواهی و استکبار ستیزی

۳- بازخیزی اسلام در عرصه‌های حیات اجتماعی

۴- فرهنگ سازی درباره وحدت تمدنی جهان اسلام: احیای نقش جنبه‌های آزاد بخش

در سطح بین‌المللی نیز می‌توان به دست آوردهای فرهنگی و دست آوردهای سیاسی اشاره کرد:

اول. دست آوردهای فرهنگی

الف) ترویج فرهنگ مردم سالاری دینی

حکومت اسلامی هم بر نقش مردم در تعیین نوع حکومت خود تأکید داشت و هم الگوی اسلامگ رایی و ارزش‌های پایدار اسلامی را اساس نظام سیاسی خود میدانست.

ب) ترویج فرهنگ استقلال خواهی و استکبار ستیزی

دولت اسلامی بر فرهنگ مستقل بودن و مبارزه با استکبار تأکید می‌کند. بی تردید در انقلاب اسلامی توکل بر خدا، منشا استقلال به شمار میرود. از دیدگاه امام خمینی (ره) مهم‌ترین بعد استقلال نفی هرگونه وابستگی به نیروهای خارجی است.

هدف از استقلال، تصمیم‌گیری‌های کشور مبتنی بر منافع و مصالح کشور است استقلال طلبی چند مزیت دیگر هم دارد که عبارتند از:

✓ تقویت برابری دولت‌ها و حکومت‌ها

✓ تحقق حقوق الهی و انسانی ملت‌ها در نظام بین‌المللی که موجب تضعیف سلطه قدرتهای بزرگ در منطقه خاورمیانه می‌شود.

انقلاب اسلامی همزمان به مبارزه در دو جبهه استبدادستیزی و نفی وابستگی پرداخت.

ج) فرهنگ سازی درباره وحدت تمدنی جهان اسلام

د) احیای نقش جنبش‌های آزادی بخشی

جمهوری اسلامی ایران همواره بر اهمیت جنبش‌های آزادی بخش توجه و تأکید داشته است. این جنبش‌ها بر آرمانهای آزادی، عدالت اجتماعی، نفی دخالت قدرتهای خارجی و ضرورت مدیریت پویا و منعطف تحولات سیاسی، اجتماعی تأکید داشتند.

نکته: قیام مردم فلسطین علیه اسرائیل اشغالگر از جمله نمونه‌هایی است که از انقلاب اسلامی تأثیر پذیرفته‌اند.

دوم . دست آوردهای سیاسی در سطح بین‌المللی

الف) تأثیر بر شکل‌گیری برخی جریان‌ها و گروه‌های سیاسی از جمله جریان‌ها و گروه‌های سیاسی که پس از انقلاب اسلامی شکل گرفتند می‌توان به نهضت فقه جعفری پاکستان، حرکت اسلامی در بیت المقدس و الخلیل و مرکز جهاد اسلامی فلسطین در نوار غزه اشاره کرد. نکته: گروه حزب الله لبنان از جمله گروه‌های سیاسی است که بیش از هر گروه اسلامی - سیاسی دیگر تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایران قرار گرفته است.

ب) تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر راهبرد قدرتهای بزرگ انقلاب اسلامی در کشوری رخ داد که ژاندارم آمریکا در خاورمیانه و یکی از ستونهای دکترین دو پایهای نیکسون به شمار می‌آمد. چون از آنجایی که آمریکا در جنگ با ویتنام دچار مشکلاتی شده بود نیکسون پیشنهاد کرد تا آمریکا در خاورمیانه دو پایگاه حمایتی داشته باشد: یکی پایگاه نظامی که ایران است و دیگری عربستان که حافظ منافع اقتصادی برای آمریکا تلقی می‌شد. پس طبق این دیدگاه در خاورمیانه هر حرکتی که تهدیدی برای منافع نظامی آمریکا بود از سوی ایران سرکوب می‌شد اما با طرح انقلاب اسلامی این دیدگاه جایگاه خود را از دست داد و به این ترتیب آمریکا میبایست خط مشی دیگری برای خود اتخاذ میکرد و برای سرکوب انقلاب در ایران فکر تازه‌ای می‌کرد. بنابراین به تحریک مردم برای حمله به ایران پرداخت و در حمله به ایران با عراق مشارکت همه جانبه داشت.

نکته: از دیگر دست آوردهای بین‌المللی انقلاب ایران می‌توان به همکاری موثر ایران با سازمان‌های بین‌المللی، عدم تأثیر تحریم برخی ابرقدرت‌ها و تأثیر در جنبش‌های بیداری اسلامی اشاره کرد.

فصل نهم

فرصت ها به معنای وجود زمینه های مطلوب در محیط بیرونی کشور است که با بهره برداری از آن می توان به نتایج در خوری دست یافت. همچنین فرصت ها شرایطی است که به کشور توانایی می دهد تا با بهره گیری صحیح از آن ها به اهداف ملی خود برسند.

فرصت های پیش روی انقلاب اسلامی :

اول. فرصت های داخلی

الف) مردمی بودن

یکی از مهم ترین عوامل پیروزی انقلاب بسیج عمومی مردم بوده است. حضور مردم به عنوان سرمایه اجتماعی در صحنه برای رفع مشکلات کنونی و آینده انقلاب همانند آغاز آن فرصتی مناسب برای انقلاب است تا به پیشرفت و اعتلا برسد.

ب) پیشرفت های علمی و فناوری

دوم . فرصت های بین المللی

الف) افول هژمونی آمریکا

ایالت متحده آمریکا همواره در پی جریاناتی همانند جنگ های جهانی به قطب نیرومندی در جهان تبدیل شد، اما در حال حاضر با جنگ های توسعه طلبانه و مشکلات اقتصادی آمریکا دچار ضعف اساسی در ساختار خود شده است و به نظر میرسد این کشور دیگر نمی تواند به تنهایی در حل بسیاری از معادلات بین المللی سیاست های متناسب را اعمال نماید.

هانتینگتون در این باره می گوید: عنصر تک قطبی آمریکا به سوی ساختاری چند قطبی در حرکت است و این ساختار به زودی آشکار می شود .

کنت والتز می گوید: اختلاف و تضاد میان منافع آمریکا و اروپا با گذشت زمان بیشتر می شود.

والر اشتاین هم در کتاب (افول قدرت آمریکا، آمریکا در جهانی پر آشوب) به سپری شدن دوران صلح آمریکایی اشاره کرد.

نکته: دلایل مهم برای سقوط قدرت آمریکا عبارت است از:

- ✓ مخالفت ها و نگرانی های سایر قدرتهای بزرگ
- ✓ رقابت و کشمکشهای داخلی آمریکا و تقویت موقعیت لیبرال ها در مقابل محافظه کاران
- ✓ مشکلات آمریکا در عراق و افغانستان
- ✓ افکار عمومی جهان.

با ضعف در قدرت آمریکا کمتر شاهد حضور مداخله جویانه آمریکا در خاورمیانه هستیم و ایران با استفاده از این فرصت می تواند به عنوان قدرتی منطقه ای در معاملات امنیتی نقشی بی بدیلی را ایفا کند.

ب) آینده جمعیت و جایگاه مسلمانان

اسلام به عنوان دومین دین بزرگ جهان در کشورهای مختلف روز به روز در حال گسترش و قدرتمند تر شدن است. ایران می تواند از این فرصت بهترین استفاده را کند. انقلاب ایران برای تمام کشورهای مسلمان الگوی الهام بخشی است که می تواند با استفاده از این فرصت خود را به کشوری نیرومند تبدیل کند.

ج) بحران های اقتصاد جهانی

بحرانهای اقتصاد جهانی همواره چالش های متعددی برابر تمام کشورها تحمیل می کند. اما ایران به دلیل نداشتن ارتباط تنگاتنگ با اقتصاد جهان کمترین ضربه از این بحران ها را متحمل شده است. حتی میتوان با مدیریت صحیح بحران از این وضعیت نامطلوب اقتصادی استفاده بهینه کرد و در حالی که چرخه اقتصاد کشورهای منطقه وابسته به غرب است ایران به قدرت اولی در جهان تبدیل شود.

د) ناکارآمدی سازمان های بین المللی

سازمان های بین المللی همواره در جهت تامین منافع دولت های بزرگ گام برداشته اند. آمریکا به دلیل تهدید شدن منافع خود هیچگاه عضو کنوانسیون های دفاع از حقوق کودک و بشر نشده است. ایران همواره در این راه فعال بود اما چارچوب مبانی و دیدگاه این نهادها را نمی پذیرد. از این رو همواره عملکردهای این سازمان ها را به چالش کشانده است و در این راه بسیاری از کشورها را با خود همسو و هم صحبت گرداند که حمایت از مسئله هسته ای ایران در نشست های مجمع عمومی و اجلاس عدم تعهد گواهی این مدعاست.

و) پتانسیل های قدرت نهفته جمهوری اسلامی ایران

قدرت مهم ترین مؤلفه تعیین کننده مناسبات و جایگاه کشورها در عرصه بین المللی است اما استفاده از قدرت سخت همیشه کارساز نیست. قدرت نرم می تواند به امکان پذیر شدن استراتژی ملی، هدایت اشتیاق ملی، شکل گیری ارائه واحد و تقویت قدرت فرهنگی کشور کمک کند. در طول دهه ها بخشی سخت افزاری ایران که شامل ثروت ها و منابع طبیعی کشور است آسیب بسیاری دیده اما بخشی نرم افزاری آن که شامل باورها، فرهنگ، زبان و ادبیات است آسیب چندانی ندید.

امروزه قدرت نرم کشور در این مؤلفه ها نمود می یابد: جذب، اقناع و شکل دهی به اموری که برای دیگران مهم است.

منابع قدرت نرم ایران عبارت است از: ارزش ها و هنجارهای اسلامی، انقلابی، ایرانی و ...

ن) محدود شدن فرصت استفاده از زور

محدود شدن استفاده از جنگ و زور در مناسبات بین المللی زمینه ساز پیشرفت برای ایران است تا بتواند با استفاده از قدرت نرم جایگاه خود را در جهان پیدا کند.

ه) بیداری اسلامی در کشورهای خاورمیانه

تحولات اخیر در خاورمیانه و بیداری اسلامی در آن‌ها نشان دهنده این است که ایران می‌تواند با ارائه الگوی انقلابی خود قدرت نفوذ غرب را بر منطقه خاورمیانه کمتر کند.

چالش‌های پیش روی انقلاب اسلامی

اول . **چالش‌های داخلی**

الف (تهاجم فرهنگی

یعنی تهی کردن جامعه از فرهنگ خودی و جایگزینی فرهنگ مورد نظر .

براندازی فرهنگی از سه طریق صورت می‌گیرد: تبلیغات، نفوذ و استحاله.

ب (جدایی دین از همه بافتهای زندگی اجتماعی

عده‌ای معتقدند که دین نباید در سیاست و مسائل دیگر قلمرو مداخله‌ای داشته باشد اما جمهوری اسلامی ایران دین را ملازم سیاست و مسائل مرتبط دیگری می‌داند و پذیرای سکولاریسم یا اندیشه جدایی دین از سیاست نمی‌باشد.

ج (نابرابری اجتماعی

نابرابری اجتماعی اصلی‌ترین چالش برای اهداف سیاسی و فرهنگی انقلاب اسلامی در سال‌های آینده می‌باشد که به پنج دلیل می‌توان این مسئله را ثابت کرد:

✓ ذهنیت عموم مردم از آموزه‌های دینی اثر پذیرفته است

✓ پیشینه طولانی استبداد خواسته‌های عدالت و برابری را به صورت نیاز مبرم درآورده است

✓ از علل انقلاب‌ها وجود نابرابری‌هاست و وعده عدالت اجتماعی از شعارهای اصلی انقلاب به شمار می‌رود

✓ ماهیت انقلاب ایران برپایی قسط و عدلی را در صدر وظایف حکومت قرار داده است

✓ مسئولان حکومت اسلامی مفهوم سیاست در نظام بین‌المللی و رویه‌های موجود در قالب فرهنگ جهانی شدن را نقد

کرده‌اند چرا که اساساً این مفاهیم نفع‌محورند و به مفهوم عدالت توجهی ندارند

د (مشکلات اقتصادی

و) علوم انسانی

از شاخصه‌های اساسی پیشرفت در هر کشوری پژوهش در حوزه علوم انسانی است اما امروزه بخش در خور توجهی از سرفصل‌های علوم انسانی برگرفته از نظریات دنیای غرب است که بیشک چالش جدی برای جهت‌گیری دانشجویان در آینده خواهد بود. البته نه این که تمام سرفصل‌های این دروس حذف گردد بلکه ما باید نظریاتی که مبتنی بر آراء اسلامی - ملی است را هم تدوین کنیم تا مانع از بروز مشکلات انحرافی گردد.

دوم . چالش های بین‌المللی

الف (تحریم ها

ب) انرژی هسته ای

ج) جهانی سازی

فرآیند جهانی سازی و نوع تعامل با این موضوع از مهم‌ترین چالش های انقلاب اسلامی است که می توان آن به عنوان فرصتهای پیشرفت استفاده کرد. البته نوع تعامل با این موضوع یکی از مهم‌ترین چالش های انقلاب است که زمینه هایی نیز برای تبدیل شدن آن به فرصت وجود دارد.

جنگ نرم

منظور از جنگ نرم اقداماتی در چارچوب قانون، بدون خشونت و با دخالت بیگانگان است. در این جنگ، خشونت با شیوه های نرم انجام می گیرد و به این موارد تأکید میگردد: حرکت‌های مسالمت آمیز، مدیریت رسانه ای و سایر عوامل مؤثر اجتماعی، جنگ نرم و مفاهیم مشابه آن قدمتی دیرینه دارد. نوع نگاه و ارتباطات چهره به چهره و غیر کلامی ساده ترین و قدیمی ترین روشهای عملیات روانی است .

در جنگ نرم از تاکتیک های مختلفی استفاده می شود که هر یک در قالب شیوه های مختلف برای مخدوش کردن افکار عمومی به کار میرود:

- ✓ جنگ روانی (رسانه ای) ← کاربردی ترین نحوه رویارویی با ملت های جهان اسلام است و یکی از جنبه های برجسته جنگ نرم و از جمله جنگ های جدید بین المللی است که عمدتاً هنگام درگیری نظامی کاربرد بیشتری دارد .
- ✓ برچسب زدن ← برای رد کردن باور و اندیشه ای بدون بررسی شواهد مورد استفاده قرار می گیرد . در این تاکتیک رسانه ها واژه های مختلفی را به صفات مثبت و منفی بدل می کنند و آنها را به گروه ها و نهادهای مختلف نسبت می دهند .
- ✓ شایعه ← برای برانگیختن باور مخاطبان و تاثیر در روحیه آنها ایجاد می شود .
- ✓ پاره حقیقت گویی ← این رویه رایج رسانه ها است که معمولاً متناسب با جایگاه و جناح سیاسی که به آن متمایل اند بخشی از خبر را نقل می کنند . در این تاکتیک حذف یکی از عناصر به عمد صورت می گیرد و بیشتر اوقات عنصر چرا حذف می شود .
- ✓ انسانیت زدایی و اهریمن سازی ← یکی از موثرترین شیوه های توجیه حمله به دشمن به هنگام جنگ است . در این تاکتیک با استفاده از برچسب زنی و نسبت دادن صفات منفی به حریف به توجیه حملات و تهاجمات علیه رقیب می پردازد .
- ✓ ارائه پیشگویی های فاجعه آمیز ← در این روش با استفاده از آمارهای ساختگی و سایر شیوه های جنگ روانی به بیان پیش گویی هایی مصیبت بار می پردازند . از این تاکتیک در تبلیغات انتخاباتی استفاده می شود . از مفاهیم مرتبط با تاکتیک های انتخاباتی مفهوم برجسته سازی است که نخستین بار از سوی برناردکوهن مطرح گردید .

- ✓ برجسته سازی
- ✓ حذف ← در این تاکتیک سعی می شود فضایی مناسب برای سایر روش های جنگ نرم به ویژه شایعه خلق شود تا زمینه نفوذ آن افزایش یابد .
- ✓ جاذبه های جنسی ← استفاده از نمادهای شهوانی از روش های مهم رسانه های غربی است . استفاده از این ابزار موید نامحسوس بودن آنها در جنگ نرم بین المللی است .
- ✓ ایجاد تفرقه و تضاد ← به شدت مورد توجه بنگاه های خبرپراکنی و استکبار جهانی در مواجهه با جمهوری اسلامی است .
- ✓ ترور شخصیت ← استفاده از روش های چون طنز ، کاریکاتور ، شعر ، کلیپ های کوتاه و ... از جمله روش های استفاده از این تاکتیک است .
- ✓ تکرار ← در این روش با تکرار پیام سعی می شود مقصودی معین به مخاطب القا شود و در ذهن او جای بیافتد .
- ✓ توسل به ترس و ایجاد وحشت ← در این روش از حربه ی تهدید و ایجاد وحشت در میان نیروهای دشمن استفاده می شود تا روحیه و اراده آنها تضعیف شود . در مواردی از تاکتیک توسل به ترس برای انسجام وحدت جبهه خودی در مقابل تهدید با دشمن خارجی نیز استفاده می شود .
- ✓ مبالغه ← برخی از طریق مبالغه یعنی اغراق کردن و بزرگ نمایی می کوشند تا واقعیتی را اثبات کنند .
- ✓ مغالطه ← در این روش گزینش و استفاده از اظهاراتی درست یا نادرست است تا بهترین یا بدترین مورد ممکن برای یک اندیشه ، برنامه ، شخص یا محصول ارائه شود . متخصصان جنگ نرم با تحریف مترادف می دانند . مغالطه انتخاب استدلال ها یا شواهدی است که نظری را تایید می کند و این رو چشم پوشی از استدلال ها یا شواهدی است که آن نظر را تایید نمی کند .
- ✓ دروغ بزرگ ← این روش قدیمی پر کاربرد عمدتاً برای فریب دادن و مرعوب ساختن ذهن حریف مورد استفاده قرار می گیرد .
- ✓ کلی گویی ← در این روش سعی می شود ذهن مخاطب متوجه نشود و هسته مرکزی را بدون بررسی بپذیرد لذا برخی این تاکتیک را بی حس سازی مغزی نیز نامیده اند . در بیانیه های دستگاه دیپلماسی کشورهای غربی نیز از این تاکتیک استفاده می شود .